

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنج، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۳۵-۱۶۰

اصول حاکم بر لایحه حریم خصوصی^۱

علی اصغر رئوفی^۲

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه پیام نور، کاشان، ایران

محمد صادق جمشیدی راد

دانشیار فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، کاشان، ایران

علیرضا پور بافرانی

استادیار فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، کاشان، ایران

چکیده

مسئله حریم از جمله احکام مهم در اسلام و فقه است که از اعتبار و منزلت بسیار بالایی برخوردار هست، حریم به اعتبار نوع آن، به حریم‌های مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود و علما به موضوعاتی از قبیل حریم خصوصی اشخاص، توجه و مذاقه عمیق فقهی نموده‌اند. از همین رو، دولت هشتم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶ لایحه حریم خصوصی را تدوین و به مجلس شورای اسلامی تسلیم کرد. در این پژوهش تلاش شده است تا لایحه حریم خصوصی که دارای چند سرفصل است: حریم خصوصی جسمانی، اماکن و منازل، اطلاعات شخصی در فعالیتهای رسانه‌ای، ارتباطات، در محل کار، و مسئولیتهای ناشی از نقض حریم خصوصی مورد بحث قرار گیرد و اصول حاکم بر آن بررسی شود. در همین راستا، پژوهش حاضر، اصل عدم ولایت، اصالة الإحتیاط و اصل کرامت انسانی را به عنوان اصول حاکم بر لایحه حریم خصوصی معرفی می‌کند و هم‌چنین ممنوعیت افشاء سر، لزوم توجه به حیثیت انسانی و پرهیز از ظلم را به عنوان مباحث مرتبط با حریم خصوصی بررسی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: مبانی فقه امامیه، حریم خصوصی، قانون اساسی، حرمت، حمایت.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۲/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۱۲

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Far4282@gmail.com

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازمندی‌های اقتصادی، فرهنگی، عاطفی و روانی و ... خود را از طریق ارتباط با محیط اجتماع و هم‌نوع خود به صورت فطری برطرف می‌نماید. انسان در کنار این زندگی اجتماعی دارای یک حوزه خصوصی و محدوده‌ای است که دیگران از مداخله در آن پرهیز داده شده‌اند و رعایت این حق و یا ارزش، امری اخلاقی و پسندیده و عدم رعایت آن امری مذموم و ناپسند است و قانون برای نقض آن مجازات‌هایی در نظر گرفته است. بی‌تردید التزام به رعایت اخلاق مداری فردی و اجتماعی و حریم خصوصی دیگران بهترین و مؤثرترین ابزار برای رعایت حق و ارزش حریم خصوصی شهروندان توسط فرد و یا افراد خواهد بود.

امروزه با توسعه و رشد فناوری، ارزش‌های سنتی جوابگوی نقض خلوت و یا حریم خصوصی نیست و ماهیت مداخله و آسیب به حریم خصوصی به طور دقیق مشخص نیست. بناء عقلا (که از عرف جوامع و قوانین مدون بدون دخالت دین و برآمده از روابط اجتماعی است)، توسعه و تضییق خلوت انسان‌ها و عدم رعایت حریم خصوصی افراد و شکستن و مداخله در این حریم را مذموم و مرتکبین به آن را مستحق مجازات دانسته‌اند.

بر اساس مبانی شریعت اسلام و با استناد به قوانین و مقررات و پای بندی به قواعد و ضوابط پذیرفته شده در شریعت اسلام و هم‌چنین قوانین، از جمله قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری و ... نیز ضرورت رعایت حریم خصوصی غیر قابل اجتناب است.

در سال ۱۳۸۶ لایحه حریم خصوصی توسط دولت جمهوری اسلامی ایران در ۸۰ ماده و ۲۶ تبصره تحت عنوان لایحه حریم خصوصی تنظیم و برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد؛ لکن در همان مراحل اولیه از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج و مسکوت ماند. این لایحه دارای چند سرفصل است: حریم خصوصی جسمانی، اماکن و منازل، اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه‌ای، ارتباطات، در محل کار، و مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی.

اهمیت و ضرورت انطباق داشتن لایحه حریم خصوصی با موازین اسلامی و فقه امامیه نکته مهمی است لذا در مواردی در لایحه برای آن، مواد قانونی در نظر گرفته شده است، از جمله جسم افراد، اماکن خصوصی و منازل، حریم خلوت و تنهایی افراد، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی.

این تحقیق به چارچوب‌های بنیادین لایحه حریم خصوصی می‌پردازد و اصول حاکم بر لایحه حریم خصوصی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نظام‌های حقوقی چه آن‌ها که برآمده از آموزه‌های دین و شریعت بوده و چه آن‌ها که بدون دخالت دین در مقام تنظیم روابط اجتماعی برآمده‌اند، نسبت به حریم خصوصی و لزوم حمایت از آن بی‌موضع نبوده و نیستند و صرف‌نظر از توسعه و تضییق حوزه خلوت و حریم خصوصی و گونه‌های متفاوت حمایت از خلوت و حریم شخصی در ضرورت حمایت حقوقی از حریم شخصی و اتخاذ راهبردهای حمایتی از حریم خصوصی اتفاق نظر دارند؛ اما آن‌چه مسلم است ضرورت انطباق لایحه حریم خصوصی با موازین اسلامی (فقه امامیه) است. با الهام از احکام دین مبین اسلام که به منظور حمایت از تمامیت جسمانی انسان، اماکن خصوصی و منازل، حریم خلوت و تنهایی افراد، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی تشریح شده است و تبیین نحوه اجرای اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، شفاف‌سازی اختیارات و مسؤولیت‌های ارکان و اجزا مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم خصوصی ضروری است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت کلی و در منشور حقوق شهروندی به صورت استطلاعی الزام آور و در موارد دیگر به صورت ضمنی و غیر صریح به این موضوع پرداخته شده است و تعیین جزئیات آن بر عهده قانون عادی گذاشته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. معنای حریم

حریم در لغت: حریم آن‌چه از پیرامون خانه و عمارت که بدان متعلق باشد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (معین، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۳۵۲). حریم در اصل واژه‌ای عربی و از ریشه «حَرَمَ» است که به معنای منع و تشدید و چیزی که لمسش حرام و نباید به آن نزدیک شد آمده است (ابوالحسن، معجم مقاییس اللغة ذیل ماده حَرَمَ). برخی حریم را به ممنوع کردن، آن‌چه تحریم شده و کسی دست به آن نمی‌زند، معنا کرده و گفته‌اند «حرم الرجل» یعنی آن‌چه مرد از او دفاع و حمایت می‌کند و به همین دلیل خانواده مرد را حریم گفته‌اند. حریم به چیزی که حمایت از آن واجب است نیز معنا گردید (بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۹ش، ذیل ماده حَرَمَ). بعضی دیگر حریم را به «ما حَرَمَ فلا یتَهک» معنی نموده‌اند. (انیس، ابراهیم، ۱۳۷۸ش، ذیل ماده حرم) و (عبدالمنعم، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۶). لغت‌شناس مشهور ابن منظور حریم را به «ما یُقائل عنه و یحمیه» چیزی که برایش جنگیده و از آن دفاع می‌شود، معنا کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۱۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق). برخی نیز حریم را به چیزی که از آن حمایت می‌شود و مرد برایش می‌جنگد معنا نموده‌اند (آل عصفور، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۷۰).

واژه حریم در عربی به دو صورت به‌کار می‌رود: به صورت مفرد: در این صورت به معنای شریک، دوست و هم‌چنین به معنای چیزی است که مس آن حرام است و نباید به آن نزدیک شد؛ زیرا عرب جاهلی به هنگام طواف کعبه لباس خود را درآورده و برهنه طواف می‌کردند، بدین جهت که در آن لباس‌ها گناه کرده بودند لذا تا پایان طواف به آن‌ها نزدیک نمی‌شدند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۵ق؛ عبدالمنعم، ج ۱، ص ۵۶۶).

به صورت مرکب: در این صورت کلمه حریم گاهی مواقع به مال و در مواقع دیگر به انسان اضافه می‌شود، چنان‌چه کلمه حریم، به مال اضافه شود، به معنای اطراف و پیرامون است؛ همانند حریم چاه که به معنای زمین اطراف آن است که خاک چاه را در آن می‌ریزند.

یا حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که در استفاده کامل از خانه بدان نیاز است (ابن منظور، ج ۱۲)؛ و در صورتی که واژه حریم به انسان اضافه شود به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید. حریم با این ترکیب به معنای جان، آبرو، اهل، عیال و اموال انسان خواهد بود (اسکندری، ۱۳۸۹ ش).

۱. ۲. معنای اصطلاحی حریم

در منابع اسلام احکام متعددی در زمینه‌های مختلف حریم به چشم می‌خورد، ولی هیچ‌گونه تعریف مشخص تحت عنوان این اصطلاح ارائه نگردیده است. فقهای شیعه تعاریفی برای حریم بیان کرده‌اند در ذیل به برخی از نظرات آن‌ها اشاره می‌شود:

علامه حلی: مرحوم علامه حلی در کتاب تذکره الفقها در تعریف حریم می‌گوید: «الحریم اشاره الی المواضع القریبه آلتی یحتاج الیها لتمام الانتفاع». حریم اشاره است به مواضع و مکان‌های نزدیکی که استفاده کامل از آن، نیازمند به آن مواضع باشد، همانند راه به سوی آب و محل ریختن خاک و مانند آن (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۳).

فخرالمحققین: (تعریف فرزند علامه)، جناب فخرالمحققین نزدیک به تعریف مرحوم علامه است. البته ایشان در ضمن تعریف به برخی اختصاصات و احکام حریم نیز می‌پردازد. فخرالمحققین در تعریف حریم می‌گوید: «حریم، مکانی است نزدیک به مکان آباد شده که بهره‌برداری از آن مواضع آباد، منوط به آن است و از خصوصیات و احکام حریم این است که هیچ شخصی غیر از کسی که اقدام به احیاء و آباد کردن آن زمین موات نموده، نمی‌تواند در آن حریم تصرف کند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲).

مجلسی اول در روضة المتقین به ارائه علت نام‌گذاری و تبیین شرایط حریم، می‌پردازد و می‌گوید: «سُمی به لحرمة التصرف فیه بدون إذن مَنْ له الحریم، لانه یحرم منع صاحبه من التصرف فیه حریم» را حریم نام نهادن چون تصرف در آن بدون اجازه صاحب آن، در آن حرام است (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق). عبارت ایشان به نوعی تعریف حریم قرار دارد، بنا

براین بر اساس فرمایش ایشان می‌توانیم حریم را این‌گونه تعریف کنیم: «حریم، هر چیزی یا جایی است که اولاً دارای حرمت و احترام خاص است و ثانیاً بدون اجازه صاحب آن نمی‌توان به آن محیط وارد شد و در آن تصرف نمود» (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۲۴۱).

ملاً صالح مازندرانی در تعریف حریم می‌گوید: «ما وجب علیه حفظه و المنع من انتها» چیزی که حفظ و نگهداری آن واجب و هتک حرمت و احترامش، ممنوع است، معنا کرده است. تعریف مذکور با عنایت به معنای لغوی حریم، ارائه شده و می‌گوید: حریم آن چیزی است که باید محفوظ بماند و ممنوع است که حرمتش ریخته شود. در تعریف ارائه شده، به دو شاخص و رکن اصلی حریم، یعنی وجوب حفاظت از حریم و عدم تعدی به آن، به‌طور بایسته توجه شده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۹).

مرحوم آیت‌الله خویی در کتاب منهاج الصالحین می‌فرماید: «حریم کل شیء مقدار ما يتوقف عليه الانتفاع به و لا يجوز لاحد ان يحیی هذا المقدار بدون رضا صاحبه». حریم هر چیزی، مقدار و اندازه‌ای است که بهره‌برداری کامل از آن چیز، وابسته به آن مقدار است و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون رضایت صاحب حریم، آن مقدار را احیاء کند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳).

همان‌طور که گفته شد این تعریف نسبت به تعاریف قبلی، از شمول و جامعیت بیشتری برخوردار است، چرا که: عبارت «حریم کل شیء» دایره تعریف را به نحو شایسته، توسعه داده و جامعیت لازم را در تعریف فراهم کرده است.

۲. دیدگاه حقوقی و قانونی درباره حریم

در حقوق ایران گرچه پاره‌ای مواد مرتبط با رعایت حریم خصوصی وجود دارد که از درون آن‌ها می‌توان ضوابطی را در این خصوص استنباط کرد ولی تعریف مشخصی از این اصطلاح در قوانین وجود ندارد.

در ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی به این نحو تعریف شده است: «حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند».

به جهت تعدد دعاوی حقوقی و حتی کیفری مرتبط با مسئله حریم و بعضاً حریم خصوصی اشخاص و بروز تنش و درگیرهای روزانه مردم با موضوعات مرتبط با حریم، تعریف حریم و احکام آن مورد توجه خاص حقوق‌دانان و قانون‌گذاران قرار گرفته است. بر همین اساس مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ قانون مدنی به تعریف و بیان شرایط و احکام حریم اختصاص داده شده است. در عین حال حقوق‌دانان، نیز به تبعیت از فقهاء از منظر خود اقدام به ارائه تعریف از حریم نموده‌اند. در ذیل ضمن ارائه برخی از این تعاریف به تعریف حریم خصوصی نیز اشاره می‌شود.

دکتر سید حسن امامی می‌گوید: حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن، ضرورت دارد. از نظر احترامی که افراد باید به حق حریم بگذارند و نمی‌توانند به آن تجاوز نمایند حریم نامیده شده است. مقدار حریم به اعتبار ملکی که برای آن حریم مقرر است فرق می‌کند مثلاً در باغ مقدار حریم مساحتی است که برای ریختن خاک و کود و جمع‌آوری خاشاک لازم می‌باشند. حق حریم از نظر تحلیل حقوقی یک نوع حق ارتفاقی بر اراضی اطراف قنات و نهر و امثال آن می‌باشد (امامی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۳۱).

دکتر مرتضوی لنگرودی، در تعریف حریم می‌گویند: حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن، ضرورت دارد. حریم در

حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف در آن که با طبیعت حریم منافات دارد بدون اذن مالک درست نیست. حریم ملک تبعی است یعنی از توابع ملک است و مالک می‌تواند از حق خود در حریم بلا عوض یا در مقابل اخذ عوض صرف نظر کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۱۴).

از نظر دکتر ناصر کاتوزیان، در تعریف حریم مبنای شناسایی حریم جلوگیری از تضرر صاحب ملک و فئات و نهر و چاه است. پس دیگران باید از تصرفی که مضر به حال او و انتفاع است، ممنوع شوند و تصرف بدون ضرر مباح است (کاتوزیان، ۱۳۹۴ ق، ص ۹۸).

برخی از نویسندگان با اذعان به پیچیدگی مفهوم حریم خصوصی و دشواری ارائه تعریف دقیق و جامع از آن و با قبول نسبی بودن این مفهوم تعاریف زیر را بیان می‌دارند:

برخی دیگر حریم خصوصی را حق تمتع از زندگی خصوصی دانسته و آن را مصداقی از آزادی‌های تن (آزادی شخصی) و از جمله آزادی عمومی برشمرده‌اند. حق و آزادی در زندگی خصوصی به معنای اختیار تصمیم‌گیری و آزادی اراده انسان در همه ابعاد زندگی خصوصی و مصون بودن شخص از دخالت دیگران در این حریم معنی شده است (شریعتی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۴۳).

یکی از نویسندگان معاصر در تعریف حریم خصوصی می‌نویسد حریم خصوصی را می‌توان فضایی دانست که نمی‌توان بدون اجازه شخصی به آن تجاوز یا تعرض کرد در واقع دسترسی به آن فضا برای دیگران امکان‌پذیر نیست (انصاری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۷۰).

حریم خصوصی را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری تلقی کرد که با شخصیت وی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. حق انسان به تنها بودن، با خود بودن، به وسیله دیگران مورد احترام قرار گرفتن، به دور از چشم و نگاه کنترل‌کننده‌ی دیگران و رها از تجسس و تفتیش دیگران زیستن، حقی است که لازمه یک شخصیت مستقل به شمار می‌آید و اساساً شخصیت انسان در پرتو این مفاهیم معنی می‌یابد (همان، ص ۱۳۹).

حریم خصوصی آن است که عرفاً و قانوناً هرگونه ورود، نظارت، کنترل و کسب اطلاع راجع به آن صرفاً باید با اذن شخص صاحب حق صورت گیرد مگر در موارد مصرح قانونی (فروغی و همکاران، ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۵).

در تعریف دیگر امری را حریم خصوصی می‌نامند که فرد بتواند دسترسی به آن را در کنترل خودش داشته باشد و حمایت از حریم خصوصی یعنی حمایت در مقابل دسترسی ناخواسته به آن امر به وسیله دیگران اعم از این که دسترسی فیزیکی باشد مثل ورود به داخل خانه فرد و یا دسترسی به اطلاعات الکترونیکی مثل دسترسی به اطلاعات شخصی فرد (شهریاری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۱).

یکی از روشن‌ترین تبیین‌هایی که بر اساس استقصاء از مصادیق حریم خصوصی می‌توان برشمرد، تعریفی است که کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان در کنفرانس کشورهای شمال اروپا در سال ۱۹۶۷ به شرح زیر ارائه کرده است: حق خلوت حقی است که بر اساس آن هرکس به حال خود گذاشته شود تا با کمترین دخالت دیگران به زندگی خود پردازد. اموری که باید زندگی اشخاص در قبال آن‌ها حمایت شوند عبارتند از:

- دخالت در زندگی خصوصی، مسکن و خانواده؛
- دخالت در تمامیت جسمانی و ذهنی یا آزادی روحی و فکری؛
- تعرض به شرف، آبرو و اعتبار شخص؛
- در معرض تهمت قرار گرفتن؛
- افشای غیر موجه اموری از زندگی شخصی که موجب ایذاء می‌شود؛
- استفاده از نام، هویت یا تشابه به وی؛
- جاسوسی، دخالت بی‌مورد، مشاهده و یا تحت مراقبت قراردادن شخص؛
- دخالت در مکاتبات شخص؛
- افشای اطلاعاتی که در نتیجه اعتماد شغلی از کسی دریافت کرده و یا به کسی داده است.

• سوءاستفاده از مکاتبات خصوصی، نوشته‌های خصوصی و یا اظهارات شفاهی خصوصی (همان، ص ۱۴۲، به نقل از: متین دفتری، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۱۳).

اساساً حریم خصوصی موضوعی است که به دشواری می‌توان آن را تجزیه و تقسیم کرد و بخشی از آن را به دولت سپرد؛ زیرا واگذار کردن کوچک‌ترین جزء حریم خصوصی به اشغال اجزای دیگر از سوی دولت می‌انجامد و چون دولت از اقتدار حاکم برای پنهان کاری برخوردار است.

۳. مفهوم حریم خصوصی

با آن‌که حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود ولی هنوز تعریف متقن و مشخصی از آن ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی دارد که نشان می‌دهد چگونه در فرهنگ‌های مختلف برای آن ارزش قائل شده‌اند.

حریم خصوصی مفهومی سیال است که امروزه از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها و ره‌گیری‌ها را شامل می‌شود.

حق حریم خصوصی حق زندگی کردن با میل و سلیقه خود و با حداقل مداخله و ورود دیگران است. به دیگر سخن، حقی است که بر اساس آن افراد می‌توانند تعیین کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی درباره آن داشته باشند (انصاری، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۱).

بین معنای لغوی واژه حریم و معنای اصطلاحی آن نوعی تقارن محسوس و قابل توجه وجود دارد به گونه‌ای که این معنای لغوی، نزدیک‌ترین معنا برای مفهوم اصطلاحی حریم است، معانی مثل «منع، ممنوعیت، تحریم، چیزی که لمسش حرام و نباید به آن نزدیک

شد» همگی به صورت صریح و روشن، تبیین‌کننده معنای اصطلاحی حریم‌اند و از این معانی به‌خوبی فهمیده می‌شود که حریم چیزی است که باید حفظ و صیانت شود، محفوظ بماند، لمس ممنوع و هر نوع ورود و مداخله بدون اجازه در آن، حرام است.

مطابق بند ۱ ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی، حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند، یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند، یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند و یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند.

در ماده ۲ لایحه حریم خصوصی به حریم خلوت و تنهایی افراد در کنار اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار و ... به عنوان ارزش قابل دفاع در چارچوب خصوصی مورد اشاره قرار داده است.

اصطلاح حریم خصوصی (الحیاه الخاصه یا الخصوصیه) در آیات و روایات به کار نرفته است؛ اما روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) وجود دارد که می‌توان با تبیین آن‌ها دیدگاه اسلام در مورد حریم خصوصی را بیان کرد. از این روایات می‌توان به عنوان مبانی روایی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) در خصوص لزوم حمایت از حریم خصوصی شهروندان و منع تجاوز به آن از سوی کارگزاران نام برد. این روایات را می‌توان در چند دسته‌بندی کلی مورد بررسی قرار داد: افشاء سر، ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان و هم‌چنین تصرف بدون اذن، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت هتک ستر.

۴. لایحه حریم خصوصی

لایحه حریم خصوصی در هفت فصل و ۸۳ ماده تنظیم شده است. فصل اول مفهوم‌شناسی است و مفاهیم ذیل در آن تعریف می‌شوند: حریم خصوصی، اماکن خصوصی، منزل، اطلاعات شخصی، اطلاعات شخصی حساس، دسترسی اطلاعات، ارتباطات، پایش،

رهگیری، افشاء، مؤسسات عمومی.

در فصل دوم، حریم خصوصی جسمانی در چهار بندِ بازرسی بدنی از روی لباس، بازرسی بدنی با درآوردن لباس، تفتیش اندام‌های داخلی انسان و مقررات مشترک مطرح می‌شود. در فصل سوم حریم خصوصی اماکن و منازل بیان می‌گردد. در فصل چهارم، به حریم خصوصی در محل کار پرداخته می‌شود.

در فصل پنجم حریم خصوصی اطلاعات در دو بندِ جمع‌آوری اطلاعات شخصی و نحوه استفاده و دسترسی به آن‌ها، و اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه‌ای مطرح می‌شود. فصل ششم حریم خصوصی ارتباطات را در دو بند ارتباطات پستی و ارتباطات از راه دور و ارتباطات کلامی-حضوری ارتباطات اینترنتی، معرفی می‌کند. فصل هفتم نیز مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی را معرفی می‌کند.

۵. مقتضای اصل در ورود به حریم خصوصی

ورود به حریم خصوصی دیگران از نظر اقتضای «اصل» نیز قابل بررسی است. اصل در مسائل فقهی و حقوقی به ما کمک می‌کند که به عنوان یک «مبنا» مباحث را بر اساس آن پیش ببریم و تا وقتی که دلیل قانع‌کننده‌ای در مخالفت با آن وجود ندارد، از «اصل» صرف نظر نکنیم. مثلاً چون درباره همه اشیاء اصل بر طهارت و پاکی است، از این رو اثبات نجاست هرچیز نیازمند دلیل است و اگر هم شک داشته باشیم، به استناد اصل، حکم طهارت می‌کنیم هم‌چنین اصل بر براءت است، از این رو اثبات هر «تکلیف» و یا «اتهام» نیازمند دلیل معتبر است و در موارد مشکوک، به اقتضای براءت، تکلیف یا اتهام نفی می‌شود. در زمینه‌ی دخالت در زندگی دیگران نیز با «تأسیس اصل» بحث علمی را باید آغاز کرد.

در اهتمام اسلام و خصوصاً فقه امامیه در هدایت انسان‌ها و حمایت گسترده از خلیفه الهی بودن انسان و مبانی حمایت از حریم عمومی و خصوصی انسان‌ها موارد ذیل را

می‌توان برشمرد: اصل عدم ولایت بر دیگری، اصل ظلم بودن نقض حریم اشخاص، اصل پاسداری کرامت انسانی، اصل احترام به حریم و حرمت مؤمن، اصل حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مؤمنین، اصل امانت و راز داری، اصل منع اشاعه فحشاء، اصل سلطه بر خویش و اصل ورود به حق الله که در این جا به سه اصل اشاره می‌گردد.

۵. ۱. اصل عدم ولایت

اصل عدم ولایت هم می‌تواند به عنوان یک «قاعده فقهی» مطرح باشد که از ادله‌ای مانند «الناس مسلطون علی انفسهم» استنباط می‌شود، هم می‌تواند به عنوان یک «اصل عملی» مطرح شود که به ادله‌ای مانند «استصحاب» استناد پیدا می‌کند. سابقه این اصل را در آثار بسیاری از فقهای پیشین می‌توان یافت. فقهایمانند علامه حلی، فخرالمحققین، فاضل هندی، سید علی طباطبایی، نراقی، شیخ انصاری، بسیاری از متأخرین نیز در مسائل و فروع مختلفی به این اصل استناد کرده‌اند. شیخ جعفر کاشف الغطا در این باره می‌گوید: اصل اولی در میان انسان آن است که هیچ کدام بر دیگری ولایت و سلطه‌ای ندارد. انسان‌ها از این نظر با هم برابرند و بر جان و مال و منافع همدیگر اختیاری ندارند. بر این اساس است که ولایت پدر بر فرزند، ولایت زوج به زوجه، ولایت وصی، ولایت جد، ولایت فقیه و دیگر افرادی که در موارد خاصی حق دخالت و اجازه تصرف در شئون دیگران را دارند، باید با دلیل به اثبات برسد و در صورت شک با همین اصل نفی می‌شود (سروش، ۱۳۹۳ش، ص ۹۷).

۵. ۲. اصاله الاحتیاط

علمای علم و اصول در موارد شک در تکلیف، «اصاله البرائه» را جاری می‌دانند و در شک در اباحه و جواز، به اصاله الاباحه تمسک می‌کنند، ولی آنان برخی از موارد را از شمول این اصل خارج می‌دانند با وجود شک در جواز و اباحه، ارتکاب را به دلیل «لزوم احتیاط»

ممنوع می‌شمرند. آنان معتقدند احکام دارای ملاکات متفاوت مختلفی هستند، برخی دارای چنان ملاکاتی‌اند که شارع هرگز به فوت آن‌ها رضایت نمی‌دهد و برخی دیگر دارای این درجه از اهمیت نیستند؛ در قسم اول حتی اگر دچار شک و تردید باشیم و آگاهی و علم هم به حکم نداشته باشیم، باید احتیاط کنیم؛ در حالی که در قسم دوم احتیاط لازم نیست. فقها برای قسمت اول به «جان» و «عرض» مثال می‌زنند و معتقدند از هر کاری که «احتمالاً» تعرض به جان و یا آبروی دیگری باشد «حتماً» باید خودداری گردد (خوئی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۲۵).

در چنین موارد با اهمیتی «احتیاط عقلی» حاکم است؛ یعنی نیازی نیست که در «نصوص دینی» دلیلی برای لزوم «احتیاط» پیدا شود، بلکه «عقل» حکم می‌کند که بی‌تفاوتی بی‌مبالاتی و... درباره جان انسان‌ها و آبروی آن‌ها مجاز نیست و کسی که در موارد مشکوک متعرض حقوق دیگران می‌شود از نظر ارزش قابل مواخذه است.

از نظر برخی علمای اصول با وجود این حکم عقلی، نیازی نیست که حکم جداگانه‌ای در این باره صادر شود و احتیاط را الزامی کند، بلکه شرع هم به آن اتکا نموده و بسنده می‌نماید (عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۰۴).

آخوند خراسانی در این باره می‌گوید: عقل حکم می‌کند که مواردی که اهتمام خاصی وجود دارد احتیاط کردن واجب است مثل «فروج» و «دما» و دیگر حقوق مردم. البته احتیاط در این موارد موجب عسر و حرج هم نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲۲).

بر اساس این مبانی هر کجا پای آبروی دیگران در میان است اگر درباره مجاز بودن اقدام خود شک داشته باشیم، احتیاط عقلی ما را از اقدام بر حذر می‌دارد. از این رو، بر خلاف موارد دیگر که در شبهات موضوعیه می‌توان برائت جاری کرد در این‌جا راه آن مسدود است (سروش، ۱۳۹۳ش، ص ۹۹).

بدین ترتیب در فروع مختلف حریم خصوصی که با حیثیت و آبروی اشخاص سر و

کار دارد باید به اقتضای اصاله الاحتیاط مشی کرد و از کمترین کاری که شائبه تعدی نسبت به دیگران داشته باشد پرهیز نمود.

نتیجه آن که نقض حریم خصوصی همیشه نیازمند دلیل جواز است و تا وقتی که وجود چنین دلیلی مورد تردید باشد، اصل بر ممنوعیت نقض است و در این زمینه تفاوتی میان اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد (سروش، ۱۳۹۳ش، ص ۱۰۳).

حریم خصوصی یک حق است. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که حقوق انسانها در همین یک حق خلاصه شده است، چه این که حق «من» برای داشتن حریم خصوصی نمی تواند هرگونه حق را از «دیگران» نفی کند. هر کجا که پای حریم خصوصی در میان باشد، هیچ گونه نگرانی نسبت به حقوق دیگران نداشته باشیم.

برای سازگار کردن حقوق با یکدیگر و محدود نمودن آنها، دو رویکرد متفاوت وجود

دارد:

یک رویکرد آن است که ابتدا حقوق را به صورت محدودتری تعریف کنیم و بدین وسیله قلمروی مشترک حقوق را نادیده انگاریم؛ مثلاً حق آزادی بیان ذاتاً حقی مقید و محدود است و شامل افتراء و اظهار مطالب خلاف واقع نمی شود. با این رویکرد دلیلی بر تعارض حقوق مختلف وجود ندارد.

رویکرد دوم بر مبنای «تزام» است که بر تحقق چند حق در یک «قلمرو مشترک» مبتنی است؛ مثلاً اگر حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی را نسبت به یکدیگر مطلق در نظر بگیریم و فرض را بر این بگذاریم که آزادی بیان حتی در نقض حریم خصوصی دیگران نیز وجود دارد در این صورت باشکل التزام حقوق مواجه هستیم. بنابر تصور برخی حقوق دانان، رویکرد دوم الزاماً در مواردی مطرح است که «حق» به صورت تعریف نشده ای مطرح بوده و اعمال آن در برخورد با حقوق دیگران محدود گردد. لذا در این رویکرد، سخن از حق های تعریف شده یا مرزهای از پیش تعیین شده نیست بلکه سخن از محدود کردن در تعارض با دیگر حق هاست (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۶۳).

در روش‌شناسی اجتهادی شیعه چنین تقییدی وجود ندارد وقتی «دو ملاک» برای دو حق در یک قلمرو مشترک جمع شود امکان استیفای هر دو وجود نداشته باشد، باید از راه حل‌های باب تراحم استفاده کرد (کاظمی، فوائد الاصول، ج ۱، صص ۱۰۶ و ۳۱۷).

تکلیف در حریم عمومی و خصوصی، دخالت دولت اسلامی برای حفظ نظام و ایجاد امنیت برای جامعه اسلامی نیاز به رضایت شخصی ندارد؛ ولی برای دخالت‌های شخصی نیاز به رضایت شخص دارد و در اثر مخالفت نقض حریم خصوصی مجاز نیست. در مواردی بی‌آن‌که نیاز به رضایت شخص وجود داشته باشد با استناد به رضایت شارع می‌توان به حریم خصوصی افراد وارد شد. اثبات چنین مواردی نیاز به دلیل معتبر شرعی دارد. بررسی احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی و از احوال کارگزاران در مناصب حکومتی و گزینش کارگزاران حکومت اسلامی و بررسی جواز تجسس از دشمن و ادله دیگر برای حفظ نظام اسلامی از جمله مواردی است که شارع جواز ورود به آن را با ادله شرعی داده است.

۵.۳. اصل کرامت انسانی

ارجاع و تفسیر حیثیت و کرامت انسانی به حق انتخاب آزادی اراده در تعیین سرنوشت فردی چنان بنای مستحکم اخلاقی‌ای برای این جلوه از حیات انسانی فراهم کرده که راه‌گریز در به‌رسمیت شناختن این حق برای هر آن‌کس که به انسان اخلاقی و عدالت اجتماعی می‌اندیشد، بسته است. به‌دیگر سخن اساساً نمی‌توان از یک سواز انسان مسئول و اخلاقی و هم‌چنین نظام اجتماعی عادلانه سخن گفت و در عین حال آزادی انتخاب افراد را انکار کرد. اخلاقی بودن انسان و عادلانه بودن نظام‌های اجتماعی در گرو ایده قدرتمند حق انتخاب است. حق انتخاب فردی که در حقیقت جلوه عملیاتی و اجرایی اصل غایت بودن انسان است، در عرصه قواعد هنجاری سیاسی نقش فوق‌العاده‌ای ایفا می‌کند. اقتضای این اصل اخلاقی، منع تصمیم‌گیری دیگر افراد برای انسان عاقل بالغ است؛ چرا که تصمیم‌گیری دیگران در حقیقت به معنای نادیده گرفتن انسانیت انسان و استفاده ابزاری از او

است. در واقع نادیده گرفتن حق انتخاب دیگران چیزی جز استفاده ابزاری از آن‌ها نیست. انسان عاقل بالغ زمانی مسئول است که خود تصمیم بگیرد و زمانی می‌توان عمل او را اخلاقی و مستحق مدح و یا ذم اخلاقی دانست که با اراده آزاد انتخاب شده باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶ش، صص ۷۶-۷۷).

چنان‌که اشاره شد، یکی از جلوه‌های حریم خصوصی، حریم خصوصی جسمانی یا فیزیکی اشخاص است. انسان انتظار دارد که جسم و هویت فیزیکی او از تفتیش، بازرسی یا سایر شکل‌های پایش غیر مجاز از طرف دیگران، در امان باشد در ماده ۳ لایحه حریم خصوصی در ذیل فصل دو با عنوان حریم خصوصی جسمانی آمده است: «کرامت انسانی و حقوق آزادی‌های ملازم با آن مصون از تعرض است. هیچ‌کس را نمی‌توان قبل از دستگیری یا پس از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد مگر بر طبق قانون».

تحلیل ماده: مواد دیگر این فصل نشان می‌دهد که نویسندگان این لایحه، با اشاره به بحث کرامت انسان و حقوق و آزادی‌های ملازم با آن، بر حمایت از حریم خصوصی جسمانی و حرمت شهروندان تأکید دارند و معتقدند نباید بی‌جهت و برخلاف اراده، مورد بازرسی و تفتیش بدنی قرار گیرند و نسبت به افرادی که به عنوان مظنون یا متهم در اختیار مأموران انتظامی یا امنیتی و قضائی هستند باید ترتیبات قانونی مربوط به بازرسی بدنی و یا محل و کیفیت آن رعایت گردد.

در خصوص نحوه برخورد با مظنونان و متهمان و این‌که بازرسی‌ها به نحوی باشد که حرمت و کرامت انسانی رعایت شود، در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و همچنین در لایحه حریم خصوصی موارد مختلفی از نحوه بازرسی و تفتیش چه از روی لباس و چه با خارج ساختن لباس و حتی بررسی اعضای داخلی و جوف بدن مطرح شده که نشان دهنده نگرانی‌های قانون‌گذار از زیاده‌روی مأموران اجرای قانون در انجام وظایف و انجام رفتارهایی است که منافی با کرامت انسانی و موجب استخفاف و خوارکردن مظنونان یا متهمان است.

اما چالش جدی در این زمینه، انجام بازرسی‌ها و تفتیش‌های فوق‌العاده و غیر قابل پیش‌بینی در شهرها یا خارج شهرها است که گاه بیگانه نسبت به شهروندان و یا اشیاء همراه آنان به‌ویژه خودروهای سواری شخصی اتفاق می‌افتد. در خصوص جواز و یا عدم جواز این کار در قوانین جاری تصریحی نداشتیم.

منظور از بیان این اصل مبنای انطباق آن با فقه و اصل کرامت انسانی و ورود به حق الله است. انسان اشرف مخلوقات و خلیفه الهی در زمین و کرامت هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان‌ها داده است. خداوند در قرآن شریف می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی آلب و البحر و رزقنا هم من الطیبات ... (سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۰)».

کسی حق ندارد با رفتار خود به کرامت و شرافت دیگران لطمه وارد کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کرامت انسان مصون از تعرض شناخته شده است و انسان نیز موظف است عملی که به کرامت او لطمه می‌زند را انجام ندهد.

بر اساس اصل کرامت انسانی مواد دو تا شش از لایحه حریم خصوصی که با مبانی فقه امامیه منطبق است.

کرامت بر دو گونه است: کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی.

کرامت ذاتی همان هدیه الهی است که به عموم انسان‌ها داده شده است.

کرامت اکتسابی مخصوص اهل ایمان است که با پذیرش حق از کرامت و حرمت بیشتری برخوردارند (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۵۷).

از جمله مواردی که به کرامت انسان خدشه وارد می‌شود این است که مأموران حکومت با افراد به‌صورت تحقیق‌آمیز رفتار نمایند و او را مورد توهین و آزار قرار دهند.

حضرت امام خمینی (ره) در بند ۶ و ۸ فرمان هشت ماده‌ای به رعایت کرامت انسانی متذکر شده‌اند و تأکید دارند مأموران از توهین و تحقیق و رفتار غیر کریمانه پرهیز کنند (خمینی ره، بند ۴ فرمان ۸ ماده‌ای).

۶. عناوین و مباحث مرتبط با حریم خصوصی در آیات و روایات

در مقوله حریم خصوصی، آیات ۱۲ سوره مبارکه حجرات و ۱۹ سوره مبارکه نور و روایات بسیاری وجود دارد. مباحثی را که در آنها درباره‌ی حریم خصوصی و بیان علل و حکمت‌های حمایت از آن به کار رفته‌اند می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. ممنوعیت افشاء سر

۲. ممنوعیت تجسس و تحسس

۳. ممنوعیت سوءظن

۴. ممنوعیت اشاعه‌ی فحشا و هتک ستر

۵. ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

۶. ممنوعیت استراق سمع و بصر

۷. ممنوعیت نیمه و غیبت

اینک برای نمونه، درباره‌ی چند مورد از عناوین مذکور و ارتباط آنها با حریم

خصوصی توضیح می‌دهیم.

۷. ممنوعیت افشاء سر

آیه ۲۱ سوره مبارکه آل عمران «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» حاکی از این‌که بنی اسرائیل اسرار انبیاء را افشاء می‌کردند و این افشاء سر، موجبات قتل انبیاء را فراهم می‌کرد.

در ذیل آیه ۲۱ سوره مبارکه آل عمران احادیثی نقل شده که قرآن این گروه را قاتل انبیاء دانسته است. در «کافی» روایاتی نقل شده که اگر افشاء سر کسی موجب قتل او شود، در نامه اعمال افشا کننده سر، قتل ثبت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

هم‌چنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من کشف حجاب أخیه انکشف عورات بیته» هر کس از اسرار برادر دینی خود پرده بردارد، خداوند نیز اسرار خانه‌ی او را فاش می‌سازد

(تمیمی آمدی، ۱۳۸۱ش، ج ۵، ص ۲۷۱).

علاوه بر این، روایاتی وجود دارد که اطلاق آن، نهی از نقض حریم خصوصی را در برمی‌گیرد. نظیر تمامی روایات در خصوص ایذاء مؤمن و روایات هتک حرمت مؤمن و معونه بر ظلم. «من اعان علی مؤمن بشطر کلمه جاء یوم القیامه و بین عینیه مکتوب آیس من رحمه الله». جمله از امام صادق (ع) نقل شده است که هر کس علیه مؤمنی کاری انجام دهد که بر او ضرر وارد شود ولو با گفتن کلمه‌ای روز قیامت درحالی محشور می‌شود که در پیشانی‌اش نوشته: مایوس از رحمت خداوند (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۹۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق) «لیس لاحد ان یحدث بحدیث یکنمه صاحبه الا باذنه: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند البته خداوند در قرآن برای برخی از امور به صورت صریح شاخص‌هایی مطرح کرده است. از باب نمونه در سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۱). خداوند در این آیه، شاخص و معیار علاقه و محبت خالصانه بندگان نسبت به ذات احدیت را در تبعیت محض و کامل از اوامر الهی می‌داند، یعنی ملاک و شاخص منحصرأ در تبعیت محض است. یا در آیه: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۵) یعنی معیار و شاخص دوستی خداوند با بندگان، احسان و نیکی کردن به دیگران عنوان شده است. احسان به بندگان موجب جلب محبت و دوستی خداوند می‌شود.

۸. لزوم توجه به حیثیت انسانی

در احکام اسلامی علاوه بر آن که جان و مال انسان‌ها از حرمت برخوردار است شخصیت آن‌ها نیز از «کرامت» و احترام برخوردار است. از این رو هر گونه بی‌حرمتی به شخصیت انسان‌ها ممنوع بوده و شرعاً حرام است. فقها، بسیاری از احکام شرعی را در جهت حفظ شخصیت دانسته‌اند که از آن به «عرض» تعبیر می‌کنند؛ مثلاً حضرت امام خمینی (ره) حرمت غیبت و بدگویی در غیاب افراد را دستوری برای حفظ عرض مؤمن می‌داند (خمینی،

۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۴۴). محقق ایروانی هم غیبت کردن را یکی از شیوه‌های «هتک عرض» می‌داند و به همین دلیل آن را حرام می‌داند (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲). معمولاً فقها در این باره به سخن رسول خدا(ص) استناد می‌کنند که فرمود: «جان، مال و عرض شما مسلمانان بر هم‌دیگر حرام است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۴۵). از نظر آنان که «هتک عرض» اختصاص به جنبه خاصی از شخصیت و حیثیت انسان ندارد و به این دلیل «هرگونه» هتک حرمت حرام است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷). یکی از فتاوایی که بر اساس این مبنا صادر شده است حرمت هجوکردن مؤمن است که به حرمت هتک حرمت او مستند شده است (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۲، ص ۶۰). فتوای دیگر، حرمت گدایی است که اگر به حیثیت شخص لطمه وارد کند، چنین کاری برای خود او حرام است (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۳۱، ص ۳۷۴).

درباره اهمیت حفظ آبروی مؤمن دو نکته مهم و اساسی در فقه مطرح شده است که با توجه به آن اهمیت این حوزه در مقایسه با احکام دیگر آشکار می‌شود؛ نخست آن که هتک حرمت از جمله محرمات مؤکدی است که از سوی هرکس و در هر شرایطی، قابل قبول نیست و باید جلوی آن را گرفت این حکم از جمله احکامی نیست که فقط از مکلفان عاقل و بالغ انتظار رعایت آن وجود داشته باشد، بلکه مانند قتل نفس است که حتی اگر کودک یا دیوانه هم به آن مبادرت کند باید از آن ممانعت نمود. این دیدگاه در سخنان برخی فقها از جمله محقق یزدی، محقق عراقی و امام خمینی دیده می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰؛ عراقی ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۸).

امام خمینی در این باره می‌گوید حتی خود شخص هم حق ندارد که به شخصیت خود لطمه وارد کرده و یا با بازگو کردن برخی مطالب به آبرو و حیثیت خود ضربه بزند از این رو کودکان غیر مکلف را باید از بازگو کردن این گونه مطالب درباره دیگران ممانعت کرد (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۴۵؛ سروش، ۱۳۹۳ش، صص ۷۰-۷۱).

۹. پرهیز از ظلم

بر اساس شیوه پذیرفته شده در فقه شیعه برای استنباط احکام شرعی، با اعتماد به درک عقل در حسن و قبح عقلی می‌توان حکم شرعی را به دست آورد. این درک عقلی حکمی است که بر مبنای حسن عدل و قبح ظلم صادر می‌شود و با حکم شرع ملازمه دارد. فقها در برخی مسائل مربوط به حریم خصوصی از همین شیوه استدلال بهره گرفته‌اند. مثلاً در بحث غیبت، یکی از ادله حرمت آن حکم عقل است. عقل، یادآوری عیوب دیگران، به خصوص عیوب مخفی آنان را در نبودن آنان تقبیح می‌کند و این کار را هتک حرمت و ظلم می‌داند «وقد حکم العقل به حرمتها ایضاً لکونه ظلماً للمغتاب و هتکاً له» (خوبی، مصباح الفقاهه، تقریرات آیت الله خوئی)، ج ۲، ص ۵).

اگر «بازگو کردن» برخی از واقعیت‌های رفتاری دیگران ظلم است، نباید افراد بی‌اطلاع را از آن خبردار نمود، چرا که این کار به شخصیت آن‌ها لطمه می‌زند. آیا گوش دادن به تلفن دیگران، گشودن نامه‌های پستی آنان و کاوش در اسرار زندگی ایشان، «هتک حرمت» نبوده و بی‌احترامی به حساب نمی‌آید؟! اگر حکم عقل در خصوص «غیبت» به ملاک مصداق ظلم بودن آن است و اگر این ظلم ناشی از تعدی و تجاوز به شخصیت غیبت شونده است، پس باید این حکم در موارد مشابه غیبت که این ملاک در آن‌ها نیز وجود دارد پذیرفته شود (سروش، ۱۳۹۳ش، ص ۷۲). در نتیجه بر اساس منابع فقهی امامیه و آیات و روایات، حرمت انسان را شارع مقدس به طور کامل مورد تأیید قرار داده و ضرورت آن، ارج نهادن به حریم شخصی انسان‌ها است.

نتیجه

همان‌طور که در مطالب بیان شده در این فصل از آیات و روایات و احادیث و سیره معصومین علیه السلام و نظرات فقهای امامیه در مطابقت با مواد لایحه تنظیمی حریم خصوصی مشخص است که اسلام در رعایت حریم خصوصی تا آن‌جا که حفظ نظام و

اسلام در آن مطرح نباشد بشدت دفاع نموده و جایی که منافع اسلام و مسلمین در خطر باشد حریم شخص ارجحیت ندارد ولی در غیر این صورت ممنوع و حرام دانسته و به شدت از آن دفاع کرده است و در لایحه حریم خصوصی حرف و یا مطلبی که خلاف فقه امامیه باشد، در آن بیان نشده است لکن بیشتر دستورالعمل اجرایی است تا این که بشود به آن قانون اطلاق نمود.

از ابتدا تدوین لایحه حریم خصوصی به دلیل بروز برخی تفاوت دیدگاه، مورد توافق دولت ها و مدیران جامعه قرار نگرفته است، زیرا قائل شدن به یک مفهوم واحد که مورد توافق دولت ها باشد آن ها را در اجرای برنامه های خود محدود می نماید. لذا به خاطر فرار از این محدودیت و مقید نشدن به قالب های حقوقی که می تواند در قوانین اساسی و عادی کشورها نیز بازتاب یابد دولت ها هرگز خود را در محدوده تنگ تعاریف رسمی و قانونی قرار نمی دهند تا هر زمان لازم آید بتوانند به سهولت در حریم خصوصی اشخاص مداخله نمایند.

وجود قوانین متعدد نه تنها راه گشا نخواهد بود بلکه خود موجب آن خواهد شد که مجریان را نسبت به اجرای آن با مشکلاتی مواجه کرده و از اجرای آن سرباز زده و خود بر مشکلات نیز بیافزایند و اموری که لازم است به نحو احسن اجرا شود، از اجرا شدن دو بماند و یا ناقص اجرا شود و یا اصلاً اجرا نشده و متروک شود. لذا قوانین می بایستی مانع و جامع و مختصر باشد؛ به نحوی که مجریان خود مشتاق اجرای آن باشند.

لایحه حریم خصوصی در آخرین روزهای فعالیت دولت وقت به مجلس هفتم ارائه شد. نمایندگان اصول گرای مجلس با لایحه مخالفت کردند و نهایتاً با روی کار آمدن دولت بعدی نمایندگان دولت نیز مخالفت خود را با این لایحه اعلام نهایتاً از دستورکار مجلس خارج شد.

لایحه حریم خصوصی به موارد حریم جسمانی افراد پرداخته است. مصادیق نقض حریم خصوصی از جمله جسمانی و اطلاعاتی و ارتباطات است که تمام موارد بیان شده با

آیات و روایات و سیره معصومین اطلاع یافتن از آن‌ها نهی شده است و کمترین توجه را به حریم مکانی پرداخته است.

محدوده حریم خصوصی و اطلاعات با توجه به توسعه روز افزون زندگی بشر و در هم بافتگی روابط ممکن است صرفاً در اختیار شخص نباشد و با توجه به مقتضیاتی در اختیار دیگران نیز قرار بگیرد؛ بنابراین بخشی از حریم خصوصی ما نزد اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر قرار خواهد گرفت و علی‌رغم بعد مسافت یا تحت قوانین و مقررات گوناگون در آمدن هم‌چنان جزو حریم خصوصی ما خواهند بود. چنان‌چه اطلاعات مربوط به بیماری شخص نزد پزشک معالج وی در کشور دیگر نیز جزو اسرار او بوده و کسی نباید برای کسب این اطلاعات حریم خصوصی وی را نقض نماید؛ بنابراین برای کسب اطلاعات از بیماری وی حریم خصوصی پزشک نقض نمی‌گردد اگر چه اطلاعات در اختیار اوست، بلکه حریم خصوصی معنوی کسی که اطلاعات مربوط به او می‌باشد نقض می‌شود.

پرحجم‌ترین فصل از لایحه که مواد ۴۰ تا ۵۴ را در بر می‌گیرد به «اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه‌ای» اختصاص دارد

حسب بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که اصل عدم ولایت، اصالة الإحتیاط و اصل کرامت انسانی، اصول حاکم بر لایحه حریم خصوصی هستند و عناوینی هم‌چون: ممنوعیت افشاء سر، لزوم توجه به حیثیت انسانی و پرهیز از ظلم، را می‌توان به عنوان مباحث مرتبط با حریم خصوصی مطرح نمود.

منابع

- قرآن کریم، سوره‌های مبارکه بقره ۱۹۵ و ۲۳۱ و ۲۳۳؛ آل عمران ۳۱ و ۹۷؛ نساء ۱۲ و ۲۹ و ۱۱۲؛ مانده ۳۳؛ انعام ۱۰۸؛ یونس ۹۹؛ احزاب ۵۷ و ۷۵؛ نور ۱۹ و ۲۷ تا ۲۹؛ اسرا ۷۰؛ حجرات ۱۲؛ طلاق ۶.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم کفایه الاصول، ج ۲، قم، موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- آمدی، سیف‌الدین، ابکار الافکار فی اصول‌الدین، ج ۵، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

۱۴۰۴ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
اسکندری، مصطفی، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، مجله حکومت اسلامی، ش ۴، ۱۳۸۹ش.
امامی، سید حسن، شرح قانون مدنی، چاپ ۲۸، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
امام خمینی، سید روح الله موسوی، انوار الهدایة فی التلیقه علی الکفایه، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۲ش.

همو، مکاسب المحرمه، ج ۱، قم، موسسه تنظیم آثار، ۱۴۱۵ق.
همو، تحریر الوسیله، ج ۲.

ایروانی علی بن عبدالحسین نجفی، حاشیه مکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۰۶ق.
انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی، حاشیه مکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
بحرانی، آل عصفور، الدررالنجدیه من الملتقطات الیوسفیه، ج ۳، بیروت انتشارات دار المصطفی لایحه
التراث، ۱۴۲۳ق.

بستانی، فؤاد افرام، منجد الطلاب، ترجمه محمد بندریگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حر، ۱۳۷۹ش.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸ش.

خوبی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ ۲۸، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
همو، مبانی تکمله المنهاج، قم، ج ۱، موسسه احیاء آثار الامام خوئی، ۱۴۲۲ق.
همو، صراط النجاة، قم، مکتب نشرالمنتخب، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
همو، اجود التقريرات، قم، ج ۲، مصطفوی، ۱۳۶۸ش.

سروش، محمد، مبانی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۹۳ش.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۲، قم، انتشارات معارف
اسلامی، ۱۴۱۳ق.

شیخ انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، دارالحکمه، ج ۱، بی تا.
شیخ طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین،
۱۴۰۷ق.

طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه مکاسب، ج ۱، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية، قاهره، دارالفضيله، بی تا.
عراقی، ضیاءالدین، تعلیقہ فوائد الاصول، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
همو، شرح تبصره المتعلمین، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
علامه مجلسی اول، اصفهانی، محمد تقی، روضة المتقين، فی شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۶، انتشارات موسسه فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
عمیدزنجانی، عباسعلی، درآمدی بر فقه سیاسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.
فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۲، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
قاری سید فاطمی، سید محمد، درآمدی بر مباحث نظری مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، انتشارات نگاه معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۹۶ش.
کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات میزان، چاپ ۴۶، ۱۳۹۴ش.
کلینی، ثقة الاسلام ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الاصول فی الکافی، تهران، حدیث ۳، دارالکتب اسلامیة، ۱۴۰۷ق.
مازندرانی، محمد صالح ابن احمد بن شمس سوری، شرح الکافی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۱، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲ق.